گزارشی از سفر به داغستان

ابوذر ابراهیمی ترکمان،



گزارشی از سفر به داغستان ؛ دیار " قمری دربندی "

با تآملی بر تاریخ ایران‌شناسی در داغستان

نویسنده: ابوذر ابراهیمی ترکمان

برای شرکت در کنفرانس"نقش فرهنگ در روابط ایران و روسیه" عازم مخاچ قلعه پایتخت داغستان شدم.از مسکو تا داغستان حدود دوهزار کیلومتر است که هواپیما این مسیر را در دوساعت وده دقیقه پیمود. در فرودگاه از سوی آقای ماگومدوف آرسن رسولویچ رییس دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی داغستان وجمعی از مسئولین دانشگاه دولتی داغستان مورد استقبال قرار گرفتم.آقای رسولویچ دانش آموخته رشته باستانشناسی است واکنون رییس دانشکده ای است که کرسی زبان فارسی نیزدر آن دانشکده فعال است. به زبان فارسی علاقه مند است واز همین رو بیشترین توجه را در دوران ریاستش بر دانشکده از این کرسی به عمل آورده است. داغستان همواره برای من خاطره انگیز بوده است به ویژه از آن رو که هموطنان زیادی در این دیار زیسته اند چه آنکه تا پیش از دویست سال پیش این منطقه در قلمروحاکمیت ایران بوده است وتقریبا دویست سال پیش در12 اکتبر 1813 میلادی داغستان به همراه بخش های زیادی از کشور بزرگ ایران، به دلیل بی کفایتی پادشاهان قاجار و در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار و طی قرارداد ننگین گلستان از پیکره ایران جدا شد، در فصل سوم این قرارداد که به جدایی داغستان انجامیده آمده است:

اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم مالك بالاستقلال كل ممالك ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت خورشید رتبت، امپراطور كل ممالك روسیه دارند به این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن موسوم به الیزابت پول است و الکای خوانین نشین شکی، شیروان، قوبّه، دربند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکی که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان، گرجستان، محال شوره گل، آچوق باش، کورنه، مینگرلی، آبخازی و

تمامی الکا و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحاله بوده و نیز آنچه از اراضی دریای قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالك آمپیریه روسیه می داند. (معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، صفحه 77)
آن روز که داغستان از پیکره ایران جدا شد،از فرهنگی کاملا ایرانی اسلامی برخورداربود واکنون پس از گذشت دویست سال و ایجاداختلاط قومی فراوان، دیدن ماندگاری آموزه‌های اسلامی ایرانی برای هر بیننده ای شگفت انگیز است تعداد مناره‌های مساجد داغستان بسیار بیشتر از ناقوس کلیسا ها است وهر مسلمانی بی دغدغه می تواند در رستوران های داغستان غذا تناول کند زیرا مسلمانان داغستان تقید زیادی به ذبح اسلامی دارند ومی توان گفت که داغستان به عنوان یک سرزمین اسلامی در میان فدراسیون روسیه باقی مانده است.اسامی مردم داغستان همه نشان از توجه به اسلام دارد.در داغستان بسیار پیش می آید که با اسامی کریم، حبیب الله، نورالله، محی الدین، اکبر، رقیه، زینب،رسول و... مواجه می شویم. اقوام مختلف ایرانی ساکن در داغستان، که اغلب از اهالی آذربایجان ایران بودند در این دیار زندگی می کنند وتمرکز عمده آنان در شهر دربند است واکنون در مخاچ قلعه پایتخت داغستان بسیارند کسانی که ریشه خود را از اردبیل وتبریز وسراب می دانند .

موقعیت جغرافیایی داغستان

داغستان در ساحل غربی دریای خزر واقع شده است. بخش جنوبی جمهوری را کوهها و دامنه‌های کوه قفقاز اشغال کرده اند، در بخش شمالی جلگه حواشی خزر قرار دارد. از بخش مرکزی جمهوری، رودهای ترک و سولاک عبور می کنند. دو رود اصلی آن که در کوه جریان دارند، سولاک در شمال و سامور در جنوب است. سلسله جبال سنگاووی وآندییسکی، مرزهای طبیعی داغستان را تشکیل می دهند.
داغستان از ترکیب کلمات «داغ» که در زبان‌های ترکی به معنای کوه است و «ستان» که در زبان‌های ایرانی به معنای «جای یا سرزمین» است، پدید آمده‌است. داغستان یکی از جمهوری‌های خودمختار روسیه در غرب قفقاز و ساحل شرقی دریای خزر است. مردم داغستان از اقوام مختلف نژاد قفقازی هستند، به واسطه حضور گروه‌های قومی بسیار گوناگون در این سرزمین به‌جز روسی، بیش از ۳۰ زبان دیگر نیز در داغستان صحبت می‌شود.
داغستان به معنای کشور کوهی است. برای اینکه بهتر بتوان این منطقه را با قسمت های دیدنی اش در ذهن مجسم کرد، می توان گفت که دامنه شمالی کوههای مرکزی و شرقی قفقاز که منطقه کاریاردینو-بارلکار، استیای شمالی، چچن و اینگوشه را اشغال کرده اند، از نظر مساحت با کوههای داغستان برابری می کنند. این منطقه در داخل به دو بخش تقسیم می شود، بخش کوهستان غیر مرتفع و بخش مرتفع آلپ، که در زمره مناطق جالب توجه توریستی قرار می گیرد. کوهها مساحتی در حدود 25 هزار کیلومتر را به خود اختصاص داده اند و ارتفاع منطقه به طور متوسط 960 متر است. داغستان با چچن نیز همسایه است واین همسایگی در سال های اخیر وبه هنگام ناآرامی های چچن،سبب گردید تا دولت مرکزی حساسیت خود را برروی داغستان نیز متمرکز کند.

گروه‌های نژادی در داغستان

نژادها ی مختلفی در داغستان زندگی می کنند که البته بسیاری از این نژادها پس از تصاحب داغستان از سوی حکومت تزار به این دیار کوچانده شده اند؛

- آوار =۵۰۰،۰۰۰جزئی از نژاد متحد داغستان
- دارگین = ۳۰۰،۰۰۰جزئی از نژاد متحد داغستان
- لزگی‌ها =۲۰۰،۰۰۰جزئی از نژاد متحد داغستان
- مردم لک = ۱۰۰،۰۰۰جزئی از نژاد متحد داغستان
- طبرسران جزئی از نژاد متحد داغستان
- رتول جزئی از نژاد متحد داغستان
- اگول جزئی از نژاد متحد داغستان
- تساخور جزئی از نژاد متحد داغستان
-
- کومیک = ۳۶۵,۸۰۴ نفر یا (۱۴,۲٪)
- نوگای = ۳۸،۱۶۸ نفر یا (۱,۵٪)
- آذری زبان ۱۱۱،۶۵۰ نفر یا (۴,۳٪)
- روس =۱۲۰،۸۷۵ نفر یا (۴,۷٪) جمعیت

- چچن = ۸۷,۸۶۷ نفر یا (۳,۴٪)

اقلیت‌های کم جمعیت

- تات
- اوکراینی
- تاتار
- اوستی
- یهودیان

وقایع مهم داغستان از قرن نوزدهم تا کنون

قرن نوزدهم قیام همگانی شریعت در داغستان جهت نشان دادن عکس العملی به جنگ میان روسیه و عثمانی در سالهای 1877 تا 1878 صورت گرفت. اما با وجود نتایج مثبتی که اوایل قیام به دست آوردند، این قیام به شدت سرکوب شده و قیام کنندگان مورد مجازات شدید قرار گرفته به مناطق مختلف روسیه تبعید شدند. قرن بیستم سال 1944 حکومت دینی مسلمانان قفقاز شمالی به رهبری مفتی این منطقه آغاز شد. سالهای 1989 تا 1997، دوره قانونی فعالیت های اجتماعی بقاء الدین کبدوف (بقاءالدین محمد نیز نامیده می شود)، محسوب می شود. سال 1990، با فروپاشی حکومت معنوی مسلمانان قفقاز شمالی، حکومت مسلمانان داغستان تشکیل شد. 17 سپتامبر سال 1991، تغییر وضعیت و تغییر نام در حکومت رخ داد و 17 دسامبر سال 1991، به صورت جمهوری داغستان درآمد. سال 1994، قانون اساسی جمهوری داغستان به تصویب رسید. سال 1998، بقاءالدین محمد با طرفداران خود شورای اسلامی داغستان را به نام سازمان رادیکال اسلامی سازماندهی کرد 21 می 1998، برادران خاچیلایف با طرفداران خود در ماخاچ قلعه، ساختمان دولت را محاصره کردند. سال 1999، وهابیون در داغستان غربی و مرکزی نفوذ کردند. سال 2006 به پیشنهاد ولادیمیر پوتین، موخا علی یف به عنوان رییس جمهوری داغستان انتخاب شد.

جمعیت

جمعیت این جمهوری براساس سرشماری سال 2008 دومیلیون وششصدوهشتاد وهفت هزار نفر اعلام شده است. جمعیت کشاورز این منطقه 57/5 درصد کل جمعیت را تشکیل می دهد، حدود 700 هزار نفر داغستانی در خارج مرزهای این کشور زندگی می کنند. با آنکه رشد جمعیت فدراسیون روسیه منفی است ولی مردم داغستان از نظر میزان موالید، پس از اینگوشه و چچن جایگاه سوم را در روسیه به خود اختصاص می دهند. جمعیت روسیه از زمان فروپاشی شوروی در سال 1991 رو به کاهش گذاشته و اکنون با پنج‌درصد کاهش به 142/5 میلیون نفر رسیده‌است. این کاهش جمعیت موجب شده تا برنامه‌های چند میلیارد دلاری برای افزایش میزان زاد و ولد در این کشور به اجرا گذاشته شود. اما در شرایطی که بومی‌ها و اقوام روسی به دلیل کاهش زاد و ولد برای ادامه بقای خود با چالش جدی رو به رو هستند، هر سال موجی از مهاجران از مناطق عمدتا مسلمان آسیای مرکزی به روسیه هجوم می‌آورند. آمار و ارقام رسمی جمعیت مسلمانان روسیه را در سال 1989، 12 میلیون نفر نشان می‌داد. این رقم اکنون تا 30 میلیون نفر رسیده‌است.

اسلام در داغستان

تاثیر دین بر جریانات اجتماعی- سیاسی در جمهوری داغستان، اواخر سالهای 1990 میلادی به بالاترین حد خود رسید. جمعیت محلی این منطقه حتی در دوره اتحاد جماهیر شوروی از نظر اعتقادات دینی متمایز بودند. با آغاز دوره پرسترویکا در اواخر سال های 1980، جمعیت سلفی ها در کنار جمعیت های صوفیان افزایش یافت. با اینکه در این منطقه، حضور سلفی ها پر رنگ می باشد، اما هیچ مناقشه ای منطقه ای یا بین منطقه ای با صوفیان رخ نداده است. در قرن هفتم اسلام از بخش قفقاز شرقی در این منطقه گسترش یافت واوایل قرن دوازدهم، حکومت مسلمانان در این منطقه آغاز شد درقرن پانزدهم، اسلام در داغستان با وسعت بیشتری گسترش یافت. مردم داغستان اسلام را به شمال قفقاز نیز گسترش دادند.اکنون 96% جمعیت داغستان معتقد به اسلام هستند که 95% آنان سنی و 5% شیعه می باشند. 4% کل جمعیت را مسیحیان (پراواسلاو) تشکیل می دهند. وجمعیت روس های داغستان از شیعیان کمتر است.

شیعیان در داغستان

در حال حاضر شیعیان داغستان که در بخش دربند زندگی می کنند حدود 200 هزار نفر، شیعیان ماخاچ کالا 4000 نفر و منطقه دربند 3000 نفر و منطقه کیزلیار 1500 نفر می باشند. شیعیان در طول سالهای سیطره حکومت کمونیستی نیز پایبندی به آموزه‌های خود را حفظ کردند.

مسجد جامع مخاچ قلعه – پایتخت داغستان

در ماخاچ قلعه پایتخت داغستان، یکی از زیباترین و بزرگترین مساجد اروپا قرار دارد که به شیوه مسجد استامبول «مسجد آبی» ساخته شده است. مسجد جامع ماخاچ کالا یک یادبود شگفت انگیز به شمار رفته و به عبارتی شهر را مزین می کند. هر سال که می گذرد، مسجد وسیع تر و وسیع تر می شود و در عین حال هارمونی خود را حفظ می کند. این مسجد از جذابیت بسیار بالایی برای مردم داغستان برخوردار است. نه تنها زیبایی و بزرگی این مسجد، بلکه عدم نفوذ سیاست در آن، مهمانان این جمهوری را به سوی خود می کشاند. در حال حاضر این مسجد گنجایش 15 نفر را در خود دارد. امام جماعت کنونی مسجد، امام محمد رسول حاجی سعادویف، تحصیلات خود را در داغستان آغاز کرده و سپس در مدینه به پایان رسانیده است. به گفته وی، تمام هفته به مراجعه کنندگان اختصاص دارد و مسجد به آنان کمک های مادی و غیر مادی می کند. مسجد در مطبوعات، موسسات آموزش عالی و سازمان های دولتی فعالانه به ایفای نقش می پردازد. به سوالات مردم پاسخ می دهند، به امور شرعی می پردازند و به افراد اجازه بحث در خصوص مسایل دینی می دهند. این مسجد نسبتا از وجهه و اعتبار بسیار خوبی در میان مردم برخوردار است. در مسجد به طور مرتب کلاس های آشنایی با زندگی پیامبر اسلام برگزار می شود، مراسم دینی را به جای می آورند و دوره‌های کوتاه مدت دانش دینی، نماز وآموزش قرآن برپا می کنند. برخی از کودکانی که در این کلاسها شرکت می کنند، فعالیت خود را متوقف نکرده و به تحصیل در مدارس مذهبی می پردازند. آموزش قرآن برای تمام علاقه مندان آزاد است. روزهای تعطیل حدود 60 نفر برای فراگیری شیوه درست نماز خواندن به این مسجد آمده و چند ساعتی را در آنجا می گذرانند. و هر شنبه یک ساعت را در کانال تلویزیون محلی به پرسش و پاسخ با بینندگان اختصاص می دهند. دو سال پیش در ماخاچ کالا شورایی به نام شورای امامان تاسیس شده است. به اعتقاد آنان، در دنیای ارتباطات و اطلاعات امروز، امامان نبایستی از دنیا عقب بمانند، آنان نیز باید اطلاعات خود را همگام با دنیا ارتقا دهند، چه در زمینه‌های دینی و چه غیر دینی.

مسجد شیعیان

تنها مسجد شیعیان در ماخاچ قلعه،مسجد خامنه ای است که بیش از یکصد سال پیش توسط دوبرادر به نام های حاج اسدالله وحاج لطف الله خامنه ای در شهر ماخاچ قلعه ساخته شده است ودر دوران شوروی سابق تبدیل به سالن ورزشی شده بود که پس از فروپاشی به همت شیعیان استرداد وبه کاربری مسجد بازگشت واکنون کلاس های مختلف اصول عقاید وقرآن در این مسجد برگزار می شود ودر ایام محرم ورمضان عده زیادی از شیعیان گرد هم می آیندومراسم مذهبی خود را اجرا می کنند. درماه‌های رمضان ومحرم با حضور مبلغ شیعه آذری برنامه‌های این مسجد رونق بیشتری می گیرد این مسجد تنها مسجد شیعه در ماخاچ قلعه است ویکی از 333 مسجد موجود در این شهر محسوب می شود.

دانشگاه دولتی داغستان

این دانشگاه در سال 1931 میلادی در شهر مخاچ قلعه تاسیس شد. دانشگاه دولتی داغستان یکی از مراکز علمی و فرهنگی بزرگ به شمار می رود که به آماده سازی متخصصان آتی در مقاطع آموزش عالی، قبل از دانشگاهی و بعد از آموزش عالی و همچنین تحصیلات تکمیلی در زمینه‌های علوم طبیعی، انسانی، اقتصادی، فنی می پردازد. این دانشگاه تا سال 1957 به نام شاعر ملی داغستان، سلیمان ستالسکی بود. در گروه علمی دانشگاه بیش از 3000 استاد و کارمند مشغول به کارند. این دانشگاه شامل: 18 دانشکده، 9 شعبه، 86 گروه، 2 موزه: بیولوژی و تاریخی، مجموعه گیاهان خشک، کتابخانه ای با بیش از 2 میلیون جلد کتاب، ایستگاه بیولوژیک، ایستگاه فضایی است. اکنون رییس دانشگاه آقای پروفسور مرتضلی ربادانف است که از روابط خوبش با چند تن از وزرای فعلی روسیه برای بازسازی وجذب

امکانات برای دانشگاه بهره گرفته است.مردی مودب وبسیار آرام وعلاقه مند به خدمت.

شرکت در کنفرانس نقش فرهنگ در روابط ایران و روسیه

به اتفاق آقای پروفسور مرتضلی ربادانف رییس دانشگاه دولتی داغستان برای افتتاح کنفرانس مشترک "نقش فرهنگ در روابط ایران وروسیه" به سالن کنفرانس واقع در محل کتابخانه ملی داغستان رفتیم.افراد فرهنگی بانفوذ داغستان در این کنفرانس شرکت کرده بودند افرادی چون: آقای قربانف قارون محمد اویچ وزیر اطلاع رسانی داغستان،آقای احمد محمداف نماینده رییس جمهوری داغستان در امور ادیان و آقای تمیرف عالم پاشا رئیس کتابخانه ملی داغستان،پروفسور نوری عثمانوف مترجم قرآن به زبان روسی وعده ای از دانشمندان آذربایجان وداغستان نیز در این کنفرانس حضور داشتند. در سخنانم به سابقه روابط فرهنگی ایران وروسیه اشاره کردم واشتراکات فرهنگی ایرانیان با روس ها وبه ویژه با مردم داغستان را برشمردم. رییس دانشگاه ومیهمانان نیز بر ضرورت گسترش روابط فرهنگی تاکید داشتند. نکته ای که برایم جالب بود این بود که در داغستان توجه مردم به ایرانیان بسیار صمیمی واز روی اشتیاق است. ایرانیان در چشم مردم داغستان صاحب احترام وکرامت هستند وهرگز به دیده تحقیر به ایرانیان نمی نگرند.
افتتاح نمایشگاه نسخ خطی قرآنی. پس از کنفرانس برای افتتاح نمایشگاه نسخ خطی قرآنی در سالن ورودی کتابخانه ملی رفتیم که جمع زیادی از خبرنگاران واهالی مطبوعات وشرکت کنندگان در آنجا منتظر افتتاح بودند.از اینکه نمایش نسخه‌های خطی وکهن قرآنی توانسته بود اینهمه از اهل فرهنگ را به کتابخانه بکشاند بسیار لذت بردم.احترام قرآن در میان مسلمانان داغستان وصف ناشدنی است.نمایشگاه افتتاح شد ومردم به بازدید نسخه‌ها پرداختند وهرکس می کوشید تا در کنار قرآن های نفیس تصویری به یادگار بردارد.

ایرانشناسی در داغستان

در این بخش بهتر آن دیدم که از نوشته دوست،همراه ومیزبان عزیزم در این سفرآقای دکتر نوری محمد زاده استاد زبان فارسی در دانشگاه دولتی داغستان، بهره جویم.
نوری محمدزاده در مقاله ای با عنوان ایران شناسی در داغستان مینویسد:
روابط داغستان با ایران زمین را می توان از زمان دولت ماد مشاهده کرد، زیرا درآن زمان داغستان جزء آلبانیای قفقاز به شمار می آمد و به قول تاریخشناس معروف روسی دیاکونوف، ما باید روابط آلبانیای قفقاز با دولت ماد را روابط بسیار نزدیکی تصور کنیم. از این زمان می توان در باره روابط فرهنگی بین مردمان داغستان و ایران صحبت کرد. و یکی از دلایل آن این است که بین مادها و اقوام سواحل شمالی دریای خزر درهزاره اول قبل از میلاد روابط تجاری برقرار بوده و ما می دانیم که روابط تجاری معمولاً همراه با روابط فرهنگی می باشد.
با این همه تاریخ زبان و ادبیات فارسی در داغستان از دوران دولت ساسانی شروع می شود. پیوستن آلبانیای قفقاز به ایران در زمان حکومت شاپور اوّل (241-272 ق.م.) صورت گرفت. ولی اوّلین اطلاعاتی که بر روابط اقوام داغستان با ایران زمان دولت ساسانی دلالت می کند، اطلاعات راجع به شرکت داغستانی هادر لشکرکشی های شاهان سلسله ساسانی و به ویژه شاپور دوّم می باشد. برای نفوذ بیشتر درمنطقه داغستان ایرانیان شروع به تبلیغ و گسترش دین زرتشتی خود کردند. و به نظر می رسد که این مسئله آغاز پیدایش کتب و هر نوع دیگری از آثار ادبی مذهب ساسانی ها و گسترش زبان پهلوی می باشد که این دو امرلازمه تبلیغ دین هستند. ایرانیان در داغستان استحکاماتی را ساختند و یکی از آنها شهر دربند می باشد. ساخت این شهر را می توان به دوران حکومت شاپور مرتبط ساخت ولی حتی اگر ساختن دیوار معروف دربند را شاپور آغاز نکرد دست کم ساخت آن نتیجه کوشش های وی می باشد. بیشترین نفوذ ایرانیان در این شهر بود که نام آن خود گواه بر این امر است. بعد از ساخت این دیوار مهاجرت مردم ایران به این شهر شروع شد. طبق اطلاعات اثر معروف دربندنامه، از مناطق داخل ایران به دربند سه هزار خانوار منتقل شده بودند و بر اساس اثر مکتوب آختی نامه، انوشیروان 60 خانوار از مردم فارس و 300 نفر سپاهی به قلعه ای در نزدیکی روستای آختی منتقل ساخت.
تمامی این موارد گواه بر پیدایش و گسترش زبان و ادبیات ایران در داغستان می باشد که نمونه بارز آن کتیبه‌هایی است به زبان پهلوی که در شهر دربند به جای مانده است. قبلاً 25 کتیبه کوچک به خط پهلوی متصل در باروی شهر دربند معروف بوده اند. ولی بر اساس کشف و بررسی های اخیر که در این شهر صورت گرفته اند، باستانشناسان شش کتیبه جدید به فارسی میانه را درآنجا کشف کردند. تمام این سی و یک کتیبه شامل نام های خاص سنگتراشان یا کسانی می باشند که در کشیدن دیوار

سهمی داشته اند و یا اینکه نام و عنوان آمارگر را دربردارند. بعد از سقوط دولت ساسانی و حمله اعراب و به خصوص بعد از آمدن آنان به داغستان (اوّلین گردانهای سپاه اعراب درسال 22 ه.ق. به در بند آمده بودند) روابط ایران و داغستان کاهش یافت. بعد از گسترش دین مبین اسلامدر داغستان زبان عربی جایگاه اوّل را احراز نمود و زبان اصلی تمام مناسبات تجاری، سیاسی، فرهنگی و ادبی شد. ولی در اواخر قرن 11 و اوایل قرن 12 میلادی و به خصوص بعد از قرن 16 میلادی، زبان فارسی دری در زندگی روزمره و فرهنگ، ادبیات و حتی مکاتبات سیاسی و تجاری جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد.

کتاب های فارسی ازاستقبال زیادی را در داغستان برخوردارندو شاهد این مدعا، شرح و یادآوری هایی در باره کتابخانه‌های شخصی، مجموعه‌های کتب مساجد و نسخه‌های خطی انستیتوی تاریخ، باستانشناسی و نژادشناسی مرکز علوم داغستان وابسته به فرهنگستان علوم فدر اسیون روسیه است. به ندرت کتابخانه یی پیدا می شد که در مجموعه کتاب های آن دیوان های شعر زیبای حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی، جامی، فضولی، مولوی و غیره نباشد. در باره عشق و علاقه زیاد مردم داغستان به شعر فارسی، داستان معروف نظامی گنجوی و فرمانروای دربند دلیل واضحی بر این مورد می باشد. فرمانروای دربند بعد از خواندن مخزن الاسرار نظامی با وجودی که شعر به او اتحاف نشده بود مع ذلک با اهدای کنیزی قپچاقی به نام آفاق به وی از کارش تحسین کرد و نظامی چنان مفتون زیبایی آفاق گردید که در سال 569 ه. ق. وی را به عقد نکاح خویش در آورد. او منظومه خسرو و شیرین را در دوران عشق همین زن سرود.

همان طور که اشاره شد، زبان فارسی زبان مکاتبات و آموزش گردید. مکاتبات شخصی و اداری یکی از حکام بزرگ داغستان اُمّه خان آواری (1744-1801 م.) بنا بر این مطلب می باشد، ازاین خان160 نامه به زبان فارسی نگارش شده است. همچنین فرمان شاه طهماسب اوّل(1524-1576م.) در باره معاف شدن چند منطقه جنوب داغستان از پرداخت برخی مالیات ها به منظور جذب صوفیان آن دیار نیز از جمله این مکاتبات می‌باشد.علاوه براین زبان فارسی را در مدارس سنتی و دینی داغستان نیز تدریس می کردند. روابط ایران و داغستان و زبان فارسی چنان گسترش وسیعی پیدا کرد که مردم داغستان نیاز به فرهنگ هایی از فارسی به زبان های خود احساس کردند. اوّلین فرهنگی که درآن لغات فارسی با ترجمه به یکی از زبان های داغستان ارایه شده، فرهنگی به نام فصل فی جمع التصاریف للفظ الواحد و مؤلف این فرهنگ محمد شفیع دبیر قاضی آواری عالم، فرهنگ نویس، ادیب و مترجم نامدار داغستان (1742-1817م.) می باشد.

این فرهنگ در واقع فرهنگ ترکی با ترجمه به زبان های فارسی، عربی و آواری است. همین طور در سال 1196 ه.ق. وی فرهنگ عربی-فارسی-ترکی-آواری را تألیف نمود. دبیر قاضی الآواری در تألیف فرهنگ های خود از منابعی مانند تفاسیر فی لغة الفرس تألیف قطران ابو منصور ارموی، صحح فرس تألیف هندوشاه نخچوانی، مجمع الفرس تألیف محمد سروری کاشانی و غیره استفاده کرده بود. محمد شفیع آواری همچنین کلیله و دمنه را از عربی و اشعار فارسی را به آواری ترجمه کرده و گزیده اشعار گلستان سعدی را با معانی و شرح به عربی و فارسی برای دانش آموزان تألیف نمود. تمامی این موارد بیانگر استقبال مردم داغستان از زبان و ادبیات فارسی می باشد. و به تدریج تأثیر فرهنگ، ادبیات و زبان فارسی چندان افزایش یافت که خود داغستانی ها شروع به تألیف و نوشتن اثاری به زبان شیرین فارسی نمودند.ازنظر نگارنده شعراء، نویسندگان و علمایی که برای بیان تفکر و عقیده خود زبان فارسی را انتخاب کرده بودند، می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

1) فرهیختگان داغستان که متأسفانه آثار آنها به دلائل مختلف تاریخی از بین رفته و فقط در کتب و تذکره‌ها اشاره ای به آنها شده است. از جمله آنها، میرزا علی الآختی (1771-1858م.) می باشد که شعر فارسی می سرود، سید میر تقی کاشانی که شاعر ایرانی و مؤلف دیوان عندلیب، میرزا بیک الشعاعی که با زبان فارسی آشنایی کامل داشت و آثار و اشعار زیاد خود را به این زبان نوشته بود.

2) مؤلفینی که هیچ اطلاعی از زندگی آنها در دست نیست ولی در نسخه‌های مجموعه‌های منتخب اشعار فارسی، عربی و ترکی و نیز در تذکره‌های مختلف که در مراکز پژوهشی و غیره نگهداری می گردند، ابیات و اشعاری از آنان به فارسی موجود است. به عنوان نمونه غزل شاعر گمنام داغستانی – دربندلی درلر می باشد که در انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می شود.

3) مهاجران ایرانی که به خاطر اوضاع سخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران آن زمان به این منطقه دارای مردمان آزادی خواه پناه بردند. از سال 1891م. تا سال 1905م. در قفقاز بین 15 تا 62 هزار اسامی از مهاجران ایرانی ثبت شده است. از جمله این بزرگان عبد الرحیم طالبوف بوده که در اواخر دهه شصت قرن 19 میلادی به داغستان مهاجرت نمود.

4) شعرا، نویسندگان، علما و روشنفکران داغستان که شرح حال و همچنین آثاری از آنها به زبان فارسی به جای مانده است. از جمله آنان می توان به ابوسفیان آقایف، قمری دربندی و القداری اشاره نمود.

تمامی موارد فوق الذکر، دلیلی بر دخول کلمات فارسی میانه و دری در زبانهای داغستانی می باشند. مثلاً کلمات ایرانی که وارد زبان لزگی شدند بدون احتساب اسامی خاص، 554 واژه می باشند. کلمات ایرانی که وارد زبان لاکی شده اند شامل حدود 350 واژگان هستند. بیشتر از همه کلمات ایرانی وارد زبان اودینی شدند که حدود 1200 واحد زبانی را تشکیل می شوند. کمتر از همه زبانهای داغستان، زبانهای ایرانی بر زبان آواری تأثیر گذاشتند، در زبان آواری حدود 160 واژه ایرانی وجود دارد. با در نظر داشتن تمام موارد مذکوره مشخص می شود که روابط داغستان با ایران و ادبیات فارسی در داغستان ریشه‌های عمیق تاریخی دارد، اما متأسفانه این امر ناشناخته می باشد. و همین روابط سبب شده تا داغستانی ها بیشتر در رشته ایران‌شناسی بکوشند.

ایران‌شناسان داغستانی در دورة شوروی

تا فروپاشی شوروی ما در داغستان هیچ مرکز یا مؤسسه ای علمی پژوهشی که در آنها رشته‌های ایران‌شناسی تدریس شود، مشاهده نمی کنیم. علاقه مندان به پژوهش های ایران‌شناسی از داغستان ناچار به ترک زادگاه خویش در طلب علم بودند. اوّلین و بارزترین نمونه آنان میرزا محمد علی کاظم بیک می باشد. پروفسور کاظم بیک شخصیت بزرگ و پیشرو افکار دانشگاهی روسیه قرن 18 میلادی بود. قاسم پدر کاظم بیک شیخ الاسلام دربند بود. در سفر خود به ا ماکن مقدس اسلامی وی با دخترمیر باقر خان فرماندار رشت ازدواج کرد که از این ازدواج در 22 ژوئن سال 1802 میلادی میرزا محمد علی کاظم بیک در شهر رشت چشم به دنیا گشود. در سن 9 سالگی کاظم بیک به همراه مادرش پیش پدر به دربند آمده بود. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش فرا گرفت، و سپس از استادان پر آوازه آن شهر فلسفه اسلامی، بلاغت، منطق، احکام دین را آموخت. وی به زبان های آذری، عربی، فارسی و ترکی تسلط کاملی داشت و در 18 سالگی اشعاری به فارسی در لغو و معما می سرود. کاظم بیک پس از دستگیری پدر در سال 1820 و تبعید آن به سیبری در پی وی به آستراخان رفت.
در آن شهر از آوازه گرهای پروتستان اسکاتلندی زبان های اروپایی آموخت و به آنها زبانهای شرقی را یاد داد. مبلغان با سو استفاده از جوانی و بی تجربگی کاظم بیک وی را به دین خود در آوردند. کاظم بیک در آستاراخان زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و تا حدی عبری آموخت. در سال 1824 از وی برای ارتقاء سطح علمی خود در انگلستان دعوت به عمل آمد. ولی طبق دستور فرماندار قفقاز وی را به سیبری تبعید کردند. در راه وی مریض شد و در شهر قازان او را پیاده کردند. کاظم بیک در منزل فوکس پروفسور دانشگاه قازان سکونت یافت. از اکتبر 1826 وی با پیشنهاد اساتید دانشگاه قازان در این دانشگاه بلاغت شرق را تدریس می کرد.کاظم بیک در آغاز کار خود، روسی را بلد نبود ولی به سرعت این زبان را آموخت و نه فقط به این زبان درس می داد بلکه شروع به ترجمه گلستان سعدی به زبان روسی نمود که این کار را در سال 1829 با موفقیت به پایان رساند. تعلیمات عمیق وی سبب شد تا کاظم بیک در سال 1835 عضو وابسته آکادمی علوم روسیه گردید. در سال 1849 وی با دعوت دانشگاه پترزبورگ قازان را به مقصد پترزبورگ ترک کرد. در سال 1851 کاظم بیک عضو انجمن جغرافیای روسیه شد و در همان سال اثر اصولی خود را در باره تاریخ دربند با عنوان دربندنامه و به زبان فارسی آماده چاپ کرد. در حال تألیف دربندنامه کاظم بیک هم از نسخ خطی و هم از آثار دانشمندان غرب در باره تاریخ دربند و شروان بهره جست. کاظم بیک بعد از چاپ این اثر در غرب و شرق شهرت پیدا کرد، چنانکه به خاطر این کار برنده جایزه دمیدوف معتبرترین جایزه علمی روسیه، مدال طلای ملکه انگلیس و نشان شیر و خورشید ایران شد. بعداً جایزه دمیدوف 3 بار نصیب کاظم بیک شد.در ماه اکتبر سال 1854 بخش زبان های شرقی دانشگاه پترزبورگ به دانشکده تبدیل شد که کاظم بیک به عنوان اوّلین رئیس آن منصوب شد. وی در دانشکده رشته‌های جدید که در اروپا بی نظیر بود، روش های تازه آموزش شرق شناسی را به اجرا گذاشت. میرزا فتحعلی آخوندوف در یکی از نامه‌های خود در باره کاظم بیک چنین می گوید: "اما کاظم بیک را شخصی فاضل و صاحب ذهن و مستحق تکریم می توان شمرد". آخوندوف نسخه ای از الفبای خود را برای کاظم بیک فرستاده بود تا از نظریات وی بهره ببرد. جلال الدّین میرزای قاجار نیز نسخه ای از جلد نخست نامه خسروان خود را برای کاظم بیک فرستاد. کاظم بیک آثار زیادی در ایرانشناسی تألیف نموده است. او در شاهنامه پژوهی نیز قلم زده و اساطیر ایرانی شاهنامه وی شهرت جهانی یافته اند. باب و بابی ها، ادبیات فارسی پیش از اسلام، حماسه ایرانی و غیره از جمله آثار وی می باشند. پروفسور کاظم بیک در سال 1870 م. در پطرزبورگ از دنیا رفت. به خاطر زحمات وی در توسعه خاورشناسی روسیه وی را پدر خاورشناسی روسیه می خوانند.
در دوره حکومت کمونیست ها در شوروی ایرانشناسان متعددی از داغستان به شهرت رسیدند، مثل کوردی زاکویف، عثمانوا و... اما ما در این مقاله می خواهیم به آقای عثمانوف اشاره کنیم و شرح حال

خیلی مختصری را در باره وی بیاوریم. محمدنوری عثمانویچ عثمانوف در 6 فوریه سال 1924 میلادی در پایتخت داغستان در شهر ماخاچ قلعه به دنیا آمد. در سال 1950 وی تحصیل در دانشگاه دولتی مسکو را به پایان رساند. در سال 1954 دکترای ادبیات را گرفت. از آن زمان عثمانوف در راه سخت ایرانشناسی گامی جدی نهاد تا در 1981 موفق به دریافت رتبه پروفسوری شد. پروفسور عثمانوف در رشته ادبیات ایران چهار اثرتحقیقی و گرانبها به رشته تحریر در آورد که در خاورشناسی نوآوری محسوب می شوند و موجب تقریظ های مثبت در اروپا و ایران شدند. این آثار به شرح زیر می باشند:
1) شرح حال و تحلیل آثار عمر خیام که در سال 1958 منتشر شد.
2) شرح حال و تحلیل آثار فردوسی که در سال 1960 به چاپ رسید.
3) سبک شعر فارسی تاجیکی در قرن 9-10 میلادیکه در سال 1974 به چاپ رسید و به مؤلف شهرت جهانی بخشید. در این اثر عثمانوف صور خیال در شعر فارسی سده چهارم هجری را نیز آورده بود.
4) پروفسور عثمانوف زمان زیادی در رأس یک گروه مؤلفین در تألیف تاریخ ادبیات فارسی که قرار بود چندجلدی باشد، شرکت می کرد. متأسفانه این کار به دلائل وضع نابسامان کشور به پایان نرسید.
پروفسور عثمانوف در زمینه متن شناسی تحت تأثیر افکار آکادمیک لیخاچف به نظریه متن شناسی شرقی توسعه داد و در این زمینه چند مقاله نوشته است. وی تصحیح انتقادی شاهنامه فردوسی را آماده چاپ کرد. عثمانوف همچنین در زمینه فرهنگ نویسی یک چهارم فرهنگ فارسی روسی توسط این ایرانشناس تدوین گردیده است. این فرهنگ چندین بار در شوروی و ایران به چاپ رسیده بود. همین طور وی اوّلین فرهنگ بسامدی در تاریخ خاورشناسی جهان را تدوین نمود که عنوان آن فرهنگ بسامدی عنصری می باشد. عثمانوف به عنوان مترجم کارهای زیادی را انجام داده است. وی سندنامه، بختیارنامه، جواهر الآثار، درر الکلم، قرآن کریم...را به روسی ترجمه کرده است. صرف نظر از سن خود عثمانوف هنوز نیز پرکار و برای گسترش ایرانشناسی در داغستان فعالیت می کند. از امسال وی به عنوان رئیس کرسی جدید التاسیس ادبیات ایران و ترکیه دانشگاه دولتی داغستان انتخاب شد.

ایران‌شناسی در داغستان در دورۀ پس از فروپاشی شوروی

پس از فروپاشی شوروی ما شاهد رشد ایران‌شناسی در داغستان می باشیم. این رشد را می توان از سال 1991 م. به خوبی درک کرد. البته نمی توان گفت که زمان شوروی در داغستان در زمینه ایرانشناسی کاری انجام نشده بود چنان که به عنوان مثال در سال 1980م. سرکار خانم کازلووا در همایشی که در شهر دوشنبه برگزار شد، با مقاله ای به عنوان "زبان فارسی در داغستان" سخنرانی کرد، بلکه کار اساسی انجام نشده بود. کارهایی را که محققین داغستانی انجام داده و آن دسته کارها که در دست تحقیق می باشند می توان به چند رشته تقسیم کرد:
1) زبانشناسی. در این زمینه با جرأت می توانیم بگوییم که تنها جناب آقای افندییف تلاش کرده است. وی تا به امروز جامعترین بررسی کلمات دخیل از زبان های ایرانی در زبان لزگی را انجام داد و اثر خود را با عنوان کلمات مأخوذ ایرانی در زبان لزگی در سال 2000 م. به چاپ رساند. در این اثر پرارزش در مرحله اوّل عوامل تاریخی کلمات مأخوذ ایرانی و جایگاه آن در زبان لزگی را بررسی کرده است سپس به بررسی مسأله ورود کلمات ایرانی به زبان لزگی، گرفتن معنی و روش به کارگیری آنها را در زبان مذکور می پردازد. وی در آخر کتاب خود وی واژه نامه کلمات ایرانی دخیل در زبان لزگی را می آورد. وی همین طور فرهنگ کلمات ایرانی در زبان لزگی و فرهنگ کلمات ایرانی در زبان آواری را چاپ کرد. در زمینه تأثیر زبانهای ایرانی به زبان های داغستانی نیز چند مقاله تألیف نمود.
2) تاریخ. در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران می توان به کتاب پروفسور حسنوف به عنوان "داغستان و دنیای ایران" اشاره کرد. مؤلف در این کتاب که در واقع مجموعه مقالات وی می باشد و برای دانشجویان دانشکده‌های تاریخ شناسی دانشگاه‌ها توصیه می شود، به بررسی چندتا مسأله از تاریخ روابط مردمان داغستان و ایران پرداخته است. این تحقیق را می توان به 4 بخش تقسیم کرد:
1)روابط داغستانیان با اقوام و دولت های ایرانی قبل از ظهور اسلام.
2)تاریخچه "مسکت"، ناحیه ای در جنوب شرقی داغستان.
3)تاریخ قوم تات.
4) روابط داغستانیان با دولت های ایران بعد از ظهور اسلام.

ادبیات فارسی در داغستان. در این زمینه کاری اساسی صورت نگرفته است و بیشتر مقالات پراکنده ای در نشریات مختلف چاپ شده اند. از جمله کسانی که در این زمینه کار می کنندمی توان به دکتر سرکار علیبکوا و نگارنده اشاره کردهستیم.
باستانشناسی. در این زمینه باید به بررسی های کتیبه‌های دربند اشاره کرد و به خصوص نام پروفسور حاجیف را ذکر کرد که مشغول بررسی های آثار دربند و نواحی جنوب داغستان می باشد. مقالات پراکنده

از ویــــــــــــــــدراین خـــــــــــــــصوص بـــــــــــــــه چـــــــــــــاپ رســــــــــــــــید.
آموزش زبان فارسی. آموزش زبان فارسیدردانشگاه دولتی داغستان از سال 1996 م. به عنوان درس اختیاری برای دانشجویان بخش خاورشناسی دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی داغستان آغاز شد. از سال 2000 م. بعد از تأسیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه مذکور، زبان فارسی به عنوان درس اصلی در آن تدریس می شود. از امسال کرسی مشترک ادبیات ایران و ترک دراین دانشکده افتتاح گردید و پس از یک سال قرار است بر اساس برنامه آموزشی کرسی ادبیات ایران به عنوان کرسی مستقل تأسیس شود.
در حال حاضر4 نفر در این کرسی مشغول به تدریس زبان و ادبیات فارسی می باشند.

چشم‌انداز گسترش ایران‌شناسی در داغستان

با بررسی روابط فرهنگی تاریخی داغستان با ایران و فعالیت ایرانشناسان داغستانی در دوره‌های مختلف و همین طور آغاز بررسی های پژوهشگران درزمینه ایرانشناسیدرداغستان امروز و شروع فعالیت کرسی ادبیات ایران در دانشگاه دولتی داغستان ما می توانیم چشم انداز و مشکلات آینده ایران‌شناسی را در داغستان ترسیم کنیم و همین طور اهمیت پژوهش های جدید رادراین زمینه مشاهده نماییم.

چشم‌اندازها

1) در زمینه زبان شناسی و به خصوص در زمینه تأثیر زبان های ایرانی بر زبان های داغستانی پژوهشگران دافستانی و ایرانی می توانند همکاری نمایند. چنان که دیده می شوددراین زمینه کارهایی انجام شده ولی نیاز به بازنگری و گسترش آنها احساس می شود. در این زمینه می توان کارهای گروهـــــــــــی همـــــــــراه بــــــــا تبــــــــادل نظرهـــــــــای متقابـــــــــل انجـــــــــام داد.
2) در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران طرفین می توانندبه تبادل اسناد و منابع تاریخی از جمله میکروفیش ومیکروفیلم های نسخ خطی بپردازندکه نیاز به ارایه فهرست های آن دارد. همین طور می توان تحقیقاتیدرزمینه رجال داغستانیدرایران و شخصیت های ایرانی در داغستان که به دلائل مختلف از وطــــــــــــــــن هـــــــــــــــای خـــــــــــــــود کوچیدنـــــــــــــــد انجـــــــــــــــام داد.
3) در زمینه باستان شناسی متخصصین ایرانی می توانند با انجام مأموریت های علمی به داغستان با همکاری متخصصین داغستانی با آثار باستان شناسی و کتیبه‌های موجود آشنا شوند.
4) درزمینه ادبیات فارسی در داغستان محققان ما باید جستجوهای لازم با هدف پیدایش نسخه‌های جدیـــد را انجـــام دهنـــد و بـــا کمـــک هـــای طـــرف ایرانـــی آنهـــارا بـــه چـــاپ برســـانند.
5) درزمینه آموزش زبان فارسی طرفین باید برای تدوین روش های جدیدتر و بهتر آموزش زبان فارسی به توابع داغستان همکاری های نزدیک و هماهنگی های پیدرپی داشته باشند. دراینجا می توان به تدوین کتب آموزشی و کمک آموزشی با نظر به خصوصیات زبان شناسی ملل داغستان اشاره کرد.
6) درزمینه قوم شناسی متخصصین داغستنای و ایرانی می توانند در باره اقوام ایرانی داغستان مثل تات تحقیق کنند.
7) در زمینه دین شناسی می توان درباره علل ورود تشیّع به داغستان، مراسم شیعیان داغستان و همین طور تأثیر سلسله‌های صوفیان ایران به رشد تصوف در داغستان با همکاری متخصصین ایرانی تحقیق کرد.
8) در زمینه فرهنگ شناسی محققین ایران و داغستان باید به تأثیر متقابل ملت هابه فرهنگ و آداب یکدیگر توجه کنند. به عنوان مثال می توان به آداب نوروز و بکارگیری آلات موسیقی مشابه اشاره کرد.
تمام این کارها نیازمند همکاری های تنگاتنگ و متمادی محافل علمی دانشگاهی طرفین می باشد.
درراستای این تحقیقات باید همایش ها و میزگردهای علمی، تبادل اطلاعات و تجربه انجام شود عقد قرداد همکاری میان دانشگاه دولتی داغستان ورایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران ومتعاقب آن تاسیس مرکز ایرانشناسی دردانشگاه دولتی داغستان کهدراوایل سال 2005.م صورت گرفت.نقطه عطفی درتحقق ایده‌های فوق محسوب می شود.این مرکز می تواند با همکاری با مؤسسات مربوط جمهوری در ایران از تمام تحقیقات در زمینه‌های مذکور حمایت های لازم را به عمل آورد و تجهیزات لازم را در اختیار آنان بگذارد.
مشکلات
مشکلات زیادی دراین راه وجود دارند: از نبود امکانات اولیه برای تدریس زبان فارسی درداغستان تا عدم حمایت های مالی از تحقیقات صورت گرفته و عدم اطلاعات مردمان دو کشور از روابط دیرین یکدیگر. ولی به نظر می رسد که با تعامل و همکاری این مشکلات با مرور زمان قابل حل می باشند. یران‌شناسی در داغستان هر چند درسطح ابتدایی خود می باشد ولی امید می رود مثل روابط تاریخی دو دیار محکم و پایدار باشد. (پایان مقاله نوری محمدزاده)

حرکت به سوی شهر دربند. روز پنج شنبه برای بازدید از شهر تاریخی دربند راهی این شهر شدیم.شهر دربند در فاصله 120 کیلومتری شهر مخاچ قلعه قرار دارد وتقریبا در مرز روسیه و جمهوری آذربایجان(ایران شمالی) است.

دربند

قباد یکم، شاه ساسانی ایران، پس از عقب راندن خزرها به آن سوی رود ولگا و بازگرداندن نظم و آرامش به قفقاز شمالی، در ژوئیه سال 527 میلادی)طبق محاسبه تقویم نگاران، پنجم ژوئیه(دستور بازسازی شهر دربند)واقع در داغستان امروز و تلفظ کنونی: دربنت(را صادر و بودجه لازم را اختصاص داد. وی خسرو انوشیروان ولیعهد خود را به عنوان ناظر بر این نوسازی تعیین کرد. خسرو در دوران پادشاهی خود هم بر استحکامات این شهر افزود و آن را آبادتر کرد. داریوش بزرگ و شاپور یکم)پسر اردشیر پاپکان(در سنگ نبشته‌هایی، مناطق ایرانی قفقاز را ذکر کرده اند. شهر دربند میان دریای مازندران و کوه‌های قفقاز در تنگه یی به عرض سه کیلومتر قرار گرفته و پادگان آن قرن ها مانع ورود اقوام مهاجر)آوارها، خزرها و...(به قلمرو ایران و روم می شد و امپراتوری روم بابت این عمل، هر ساله به ایران مقداری طلامی داد. منطقه داغستان که اینک یک ایالت)جمهوری خودمختار(فدراسیون روسیه است در طول حکومت ساسانیان، علاوه بر حکمران غیر نظامی یک مرزبان)ژنرالی با درجه اسپهبد(داشت که عملاً مقام برتر منطقه بود. مرزبانان قفقاز پس از حمله عرب، همانند مرزبانان «فرارود» سازمان های خود را منحل نکردند بلکه مستقلاً و یا با کمک حکمرانان ایرانی محل تا زمان صفویه به کار ادامه دادند. ایستادگی آنان در سال 728 میلادی در برابر حمله عرب که قصد ورود به داغستان امروز را داشتند مشهور است و گور مقتولان این ایستادگی که به «چهل قهرمان» معروفند هنوز مورد احترام است.دربند دیواری بسیار عظیم است که با جاده ای محصور و از قلعه‌های کوه تا کناره‌های دریا گسترده شده است.

چه زیبا توصیف می کند، نویسنده و رمان نویس بزرگ قرن نوزدهم، آ.دوما در کتاب «قفقاز»: در مقابلمان تنها دروازه ای بسیار بزرگ قرار دارد که می توان گفت که به هنر معماری قوی شرق منسوب می شود و قرنها را حقیر و کوچک می شمارد. اولین بار گیکاتی میلتسکی (م. قرن 5 قبل از میلاد)، تاریخ نویس یونان قدیم از این شهر دیدنی یاد می کند. تاریخ دربند در قرنهای نمور و تاریک گم می شود. کنکاش های زمین شناسان که از اوایل سالهای 70 قرن بیستم آغاز شد، نشان دادند که در منطقه دژها و قلعه‌ها «نارین – قلعه»، در اواخر قرن چهارم هزاره سوم قبل از میلاد روستاهایی با وسعت زیاد وجود داشته اند. می توان گفت که 5 هزار سال برای یک شهر هیچ حد و حصری ایجاد نمی کند، چرا که با ادامه کنکاش های زمین شناسی، در دنیای علم و گردشگری دیدنی های جدید و جالب توجه به بار می آید. مرحله بعدی در تاریخ شهر حدودا از 2700 سال پیش آغاز می شود، در آن زمان قلعه‌هایی از پاره سنگهای منطقه دربند بنا می کردند. رن یک قبل از میلاد، دربند به منطقه آلبانی قفقاز پیوست. دربند در آن دوره شهر گلها بود و علاوه بر این لطافت روحی، کنترل مهمترین مسیرهای نظامی- استراتژیکی را به عهده داشته و در امر تجارت نیز از شهرت برخوردار بود. بی جهت نبوده که امپراطور نرون، برای جنگ با این منطقه سپاهی عظیم به منطقه دربند گسیل داشت. در قرون 5 و 6 بعد از میلاد، پادشاهان ایرانی از سلسله ساسانیان، با گسترش مرزهای خود به سمت دربند، به ساخت و سازهای باشکوه پرداخته و سعی داشتند با این کار مسیر دربند را به طور کامل ببندند. قرن هشتم تا دهم بعد از میلاد، شهر در قلمرو خلفای عرب قرار گرفت و در فاصله قرون 10 تا 12 شهر، با تشکیل یک دولت اعلام استقلال کرد. در فاصله قرون 13 تا 14، به تصرف اقوام تاتار و مغول درآمده و قرون 15 تا 17، در زمره رقبای ایران و ترکیه قرار گرفت. سال 1722، پتر اول به دربند رفت و در سالهای 1747- 1806، این شهر به صورت خان نشین درآمد. سال 1806، شهر دربند به روسیه متصل شد.

اولین گروهی ساکن در این منطقه به عصر برنز – اواخر قرن 4 قبل از میلاد- برمی گردد. این منطقه جنوبی ترین منطقه مسکونی روسیه است که از سال 1840 به صورت استان درآمد.. سازمان اداره کننده این منطقه خودگردان، شورای نمایندگان شهری «شهر دربند» است که 35 نماینده منتخب به مدت 5 سال در آن خدمت می کنند. سازمان اجرایی این منطقه خودگردان، دفتر شورای شهری «شهر دربند» نام دارد با 54 عضو. در حال حاضر فلیکس کازیاخمدوف، اداره دولت را به مدت 5 سال بر عهده دارد. این منطقه از نظر جغرافیایی در 121 کیلومتری جنوب شرقی پایتخت داغستان – ماخاچ قلعه و در قسمت غربی سواحل دریای خزر واقع شده است. آب و هوای این منطقه قاره ای بوده و به دلیل کوهستان و ساحلی بودن، آب و هوا بسیار متغیر است.

صلای اذان شیعی بر ماذنه‌های دربند

در شهر دربند میهمان شعبه دانشگاه دولتی داغستان بودیم ابتدا به دیدار قلعه عظیم دربند رفتیم. قلعه ای بر فراز بلندترین مکان در دربند که برای حکمرانی وحفاظت از حملات تاسیس گشته است واکنون از آن شکوه وعظمت باز بقایایی به یادگار مانده که البته مورد حفظ ومرمت نیست.از این قلعه تمام دربند نمایان است.هنگام ظهر هنوز برروی این قلعه بودیم که صدای اذان بر فراز ماذنه‌های دربند بلند شد.این اولین جایی بود در روسیه که دیدم صدای اذان بدون هیچ مشکلی از بلندگوهای مساجد پخش می شود. در میان اذان هایی که پخش می شد واغلب شیعی بودند دو صدا برای من بسیار خاطره انگیز بود یکی اذان مرحوم موذن زاده که از یکی از مساجد پخش می شد ودیگر اذانی با صدای یکی از مومنین.الله اکبر.........اشهد ان مولانا وامامنا بالحق ووصینا امیر المومنین علیا ولی الله.اصرار بر شیعه بودن با تاکید بر شهادت امامت وولایت ووصایت حضرت امام علی (ع). مگر می شود شیعه باشی ودر دیار غربت از این اذان لذت نبری؟

دربند شهر" قمری دربندی " است

میرزا محمدتقی قمری گلزار دربندی»، شاعر و مرثیه‌سرای داغستانی در سال 1235 هجری قمری در شهر دربند روسیه متولد شد و علوم دینی و زبان‌های فارسی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت.وی در سال 1309 ه.ق در گذشت. قمری دربندی یکی از چهار شاعر برجسته مرثیه آذربایجانی است؛ کتاب منظوم کنزالمصائب از آثار او است. قمری دربندی آشنایی کمی با زبان روسی داشت. ، چنانچه خودش می گوید "عمر خود را صرف وصف خط و خال ابروی هلال زیبارویان نمود که یک دفعه عقل ممتاز به خطاب درآمد". وی از بزرگترین کاتب های دربند بود. از سی سالگی به روضه خوانی و مقتل نویسی پرداخت و کتاب کنز المصائب را به نظم در آورد که این کتاب بارها و بارها در تبریز چاپ شد. قمری بجز کنز المصائب اشعار دیگری هم داشت.

در سن پنجاه سالگی آن اشعار را به کنز المصائب می افزاید و این اثر را دیوان کامل قمری می نامد که دربردارنده اشعار ترکی و فارسی او است که با تصحیح آقا بن عابد در باکو به سال(1285 ه.ق.) و تهران سال (1372 ه.ش.) به چاپ رسیده است. اثر سوم و ناشناخته قمری دربندی دیوان کنز المعارف هست که بعد از وفات شاعر به دست فرزند او تحریر و تکمیل شده است و نسخه خطی آن در انستیتوی نسخ خطی باکو نگهداری می شود. این اثر قمری شامل 188 صفحه شعر فارسی می باشد. شعر قمری بیشتر دربردارنده مدایح و مراثی اهل بیت (ع) و به خصوص امام حسین (ع) و یارانش می باشد، ولی شعرهای عارفانه و ساقی نامه‌ها نیز در شعرش به چشم می خورند. قالب شعرهای وی بیشتر قصیده و غزل می باشد، ولی در شعر فارسی وی رباعیات هم وجود دارد. در شعر مرثیه خود در عزای امام حسین (ع) و یاران و اهل بیتش از روضة الشهدای کاشفی به عنوان سند تاریخی و از حدیقة السعدای فضولی (چنان که خودش از مکتب فضولی پیروی می کرد) بهره جسته است. شعر خواجوی کرمانی، منوچهری و محتشم کاشانی بر شعر فارسی قمری تأثیر گذاشته است. میرزا محمد تقی قمری گلزار دربندی تنها شاعر ماهر داغستانی می باشد که هم اشعار زیاد از وی به زبان فارسی و هم اطلاعاتی هر چند محدود از زندگی وی به جای مانده است.

میرزا حسن فرزند عبد الله القداری (1834-1910م.) تاریخ نگار و شاعر داغستانی.از دیگر مشاهیر دربند است. در روستای القدار به دنیا آمد. او از نوادگان شیخ شامیل بود. وی به زبانهای ترکی، فارسی، عربی و روسی را در سطح عالی می دانست. با اکثر روشنفکران داغستانی، آذربایجانی و ایرانی مقیم داغستان دوست بود و با آنها مکاتبه داشت. در 1877م. به سبب شرکت در شورش علیه نظام تزاری روسیه دستگیر، زندانی و سپس تبعید شد. او آثار زیادی داشت از جمله دیوان الممنون و آثار داغستان. بعضی از شعرهای فارسی به جای مانده است از وی دارای کنایات و استعاره‌های زیبا می باشند.

گردآوری و ویرایش : شبنم ش از تبریز و آرمان جاویدان از تهران

آذری ، کرد ، لر ، خوزستانی ، بلوچ ، فارس و . . . همه و همه برابر ، برادر و ایرانی ، هستیم .

فرستادن این متن برای دیگر دوستانتان حداقل کاری است که می توانید جهت آگاه کردن سایرین و ادای دین به ایران خسته و مظلوممان انجام دهید .